

سعدی را بشناسید



خالی از یکدیگر اندک اندک در امتداد و جنت

«دربارگاه خاطر سعدی خرام اگر»
«خواهی زبادشاه سخن داد شاعری»

سعدی را بشناسید

نگارش
علینقی بهروزی



سعدی را بشناسید : شرح حال سعدی

تألیف : علینقی بهروزی

ناشر : کتابفروشی معرفت شیراز

چاپ اول بسال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

تایپ از : محمدصادق معرفت

چاپ : افست مروی

صحافی از : سپیده

شماره ثبت کتابخانه ملی

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
ب	منابع و مآخذ کتاب
ج	مقدمه ناشر
د	دیباچه
۱	شیخ اجل سعدی
۱۴	مقام و مرتبه سعدی
۱۷	کلیات سعدی
۱۹	نسخ کلیات و گلستان و بوستان
۲۱	خانه سعدی
۲۳	هفتصدمین سال تصنیف گلستان
۲۶	آرامگاه سعدی
۳۴	گشایش آرامگاه جدید سعدی
۳۹	مجسمه سعدی
۴۲	کتیبه آرامگاه جدید سعدی
۵۳	حوض ماهی
۵۸	توسعه آرامگاه سعدی
۵۹	کتابخانه
۶۱	سنگ مزار سعدی
۶۷	کسانی که در جوار سعدی خفته اند

منابع و مآخذ کتاب

- ۱- کتاب آثار عجم
- ۲- بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز
- ۳- تذکرۃ الشعراء
- ۴- تحفة العرفان
- ۵- سفرنامه ابن بطوطه
- ۶- سفرنامه مادام دیولافوا
- ۷- سعدی نامه
- ۸- سلم السماوات
- ۹- شیراز تألیف آقای علی سامی
- ۱۰- شد الا زار
- ۱۱- کلیات سعدی
- ۱۲- مجله ارمغان
- ۱۳- مجله یغما
- ۱۴- مجله یادگار
- ۱۵- مکتب سعدی
- ۱۶- مکتب عرفان سعدی
- ۱۷- شناسائی سعدی
- ۱۸- مآثر و الآثار
- ۱۹- نشریه گشایش آرامگاه سعدی شماره ۱ و ۲
- ۲۰- مطالعات و تحقیقات شخص مؤلف

مقدمه ناشر

این مؤسسه از مدت‌های پیش تصمیم داشت که برای زائرین آرامگاه دو شاعر نامی ایران "سعدی" و "حافظ" راهنمائی مفید و مختصر که متضمن شرح حال و تاریخچه آرامگاه آنان باشد تهیه و چاپ نموده و در دسترس زائرین و دانش پژوهان قرار دهد.

برای این منظور بدوستان محترم دانشمند آقای علینقی بهروزی مراجعه ایشان اظهار داشتند در طی مدت این چند سال یادداشت‌های درباره این موضوع فراهم شده که در اختیار این بنگاه گذارند.

این یادداشت‌ها که جلد اول آن بنام "سعدی را بشناسید" و جلد دوم "حافظ را بشناسید" از کتب متعدد و مدارک تاریخی جمع‌آوری شده همان‌طوریکه مؤلف محترم در دیباچه اشاره نموده‌اند این دو کتاب پاسخ کوی پرسش‌های زائرین آرامگاه‌ها می‌باشد.

امید است که با مطالعه این دو کتاب مخصوصاً دانش‌آموزان و دانشجویان اطلاعات بیشتری درباره دو شاعر نامی سرزمین خودشان کسب نمایند.

مدیر کتابفروشی معرفت شیراز - حسین معرفت

شیراز اسفند ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

دیباچه

اگرچه در باب زندگانی شیخ اجل سعدی شیرازی و اشعار و آثار او کتابها و مقالات متعددی نوشته شده ولی بسیاری از زیارت کنندگان خاک پاک سعدی که آن کتابها و نوشته ها را ندیده اند ، اعم از ایرانی و غیر ایرانی از حالات سعدی و تاریخ درگذشت او و مخصوصاً " تاریخچه آرامگاه سعدی و حوض ماهی و غیره پرسشهایی میکنند و میل دارند که اطلاعات کافی بیابند .

ولی کتابی نیست که اطلاعات مکفی به ایشان بدهد اینجانب که مدتی است افتخار خدمتگزاری کتابخانه مرکز سعدی شناسی را دارم ، تصمیم گرفتم که این نقیصه را برطرف کنم . از این رو بنوشتن این کتاب که در واقع يك راهنمای مختصری است مبادرت ورزیدم .

امیدوارم که این کتاب بظاهر كوچك حس كنجكاوی کسانی را که جو یای حقایق تاریخی در خصوص سعدی و سعدیه میباشند ، ارضاء نماید .

شیراز

سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

علینقی — بهروزی

هرکس بزمان خویشتن بود
من سعدی آخرالزمانم

شیخ اجل سعدی

قرن ششم هجری قمری ، خانواده ای که غالب آنها
عالمان دین بودند از شهر کازرون بشیراز عزیمت کردند
(کتاب آثار عجم)

یکی از افراد این خانواده مردی بوده است بنام عبدالله
که بدر بار اتابک سعد بن زنگی راه یافته و از درباریان اتابکان
بوده است .

در شیراز خداوند به عبدالله پسری عنایت کرد که او را
مشرف الدین نامیدند . مولانا مسعود کازرونی والد علامه
شیرازی ، ملای قطب جدای شیخ سعدی نام والد خود را که
شیخ مصلح بود به او گذاشت . (کتاب سلم السماوات)

و بعدها که بشعر گفتن پرداخت بمناسبت نام سعد بن
ابو بکر شاهزاده و ولیعهد وقت تخلص خود را سعدی قرارداد .
شیخ سعدی که :

بالای سرش ز هوشمندی میتافت ستاره بلند
از همان کودکی متعبد بود و شب خیز و مولع زهد و پرهیز
غالب شبها مصحف عزیز را در کنار گرفته بخواندن میپرداخت



عکس سعدی
نقل از فرهنگ دکتر محمد معین

(گلستان سعدی) متأسفانه در کودکی یتیم شد چنانکه خود میفرماید :

مرا باشد از درد طفلان خبر که در طفلی از سر برفتم پدر
(بوستان سعدی)

تحصیل علم در آنروزها با مشکلات بسیاری توأم بود . با این حال این پسر هوشمند و عاشق علم و دانش و معرفت و کمال با تحمل محرومیتها و رنجهای فراوان به تحصیل علم پرداخت و تا جائیکه میسر بود در شیراز دانش اندوخت و سپس تصمیم گرفت که برای ادامه تحصیل به بغداد رود و وارد دانشگاه نظامیه گردد
(خواجه نظام الملک وزیر باتدبیر ملکشاه سلجوقی در)
(چند شهر مدارس عالی تاسیس کرد که از همه مهمتر)
(مدرسه نظامیه بغداد بوده که در واقع دانشگاه مهم)
(آن دوره بوده و دانشمندان و فضلاء مشهور آن زمان)
(در آن تدریس میکرده اند)

از این رو توشه ای مختصر فراهم آورد و با پای پیاده رهسپار بغداد شد . در بین راه با سختی ها و مشقات و گرسنگی روبرو گردید . چنانکه خود فرماید :

((هرگز از دور زمان ننالیده بودم و روی از گردش آسمان درهم نکشیده مگر وقتی که پایم برهنه مانده بود و استطاعت پای پوشی نداشتم ، بجامع کوفه در آمدم یکی را دیدم که پای نداشت سپاس



تصویری از سعدی کار آقا رضا کاشی ، این تصویر را مرخوم
عباس اقبال در کتابخانه ملی وینه دیده

نعمت حق بجای آوردم و بر بی کفشی صبر کردم . (گلستان)
 بالاخره بهر زحمتی بود وارد مدرسه نظامیه شد . در اینجا
 مانند يك محصل خوب در راه کسب دانش کوشید و شب و روز به
 تحصیل و مباحثه و مطالعه پرداخت چنانکه خود فرماید :
 مرا در نظامیه ادرار بود شب و روز تلقین و تکرار بود
 (گلستان)

و برای اینکه هم کمک خرجی بگیرد و هم در علوم متبحر
 گردد ، در ضمن تحصیل بتدریس نیز اشتغال ورزید تا توانست
 از آن دانشگاه ، فارغ التحصیل گردد و سپس عازم شیراز شد .
 اما وقتی سعدی بفارس آمد که در اثر هجوم قوم مغول ،
 ایران مغشوش و فارس هم در معرض خطر قرار گرفته و زندگی در
 شیراز مشکل شده بود از این رو فرمود :
 تابد کان و خانه در گروی هرگز ای خام آدمی نشوی
 برو اندر جهان سیاحت کن پیش از آنروز که جهان بروی
 و همچنین :

سعدی احب وطن گرچه حدیثی است صحیح
 نتوان مرد به سختی که من این جازادم
 پس شیراز را ترک کرد و از راه تنگ ترکان (تنگ ترکان
 دره ایست در پنج فرسنگی مغرب کازرون که راه کازرون ببوشهر از
 وسط آن میگذرد و راهی است پرنشیب و فراز و عبور از آن مشکل .



عکس قدیمی از سعدی نقل از کتاب گلستان یا ترجمه انگلیسی

برای دانستن چگونگی این تنگ و حوادثی که در آن رخ داده رجوع شود بمقاله مؤلف که در شمارهٔ چهارم مجله تلاش چناب تهران منتشر شده است ۰ سفری را شروع کرد که قریب سی سال بطول انجامید چنانکه فرماید :

ندانی که من در اقالیم غربت

چرا روزگاری بکردم درنگی
 برون رفتم از تنگ ترکان که دیدم
 جهان درهم افتاده چون موی زنگی
 همه آدمیزاده بودند لیکــــن

چو گرگان بخون خوارگی ، تیزچنگی
 در این مدت سعدی با تحمل زحمات بسیار و محرومیت‌های فراوان که گاهی هم به اسارت او بوسیله فرنگی هائی که در جنگ صلیبی شرکت داشتند ، انجامیده کشورهای مصر - عربستان - شامات و روم - عراق - ترکستان و هند را سیاحت کرده است .
 او گاهی در خانه کعبه معتکف گشته و زمانی در بعلبک به وعظ و خطابه پرداخته است . در این مسافرتها و سیاحتها شیوخ بسیار و عرفا و حکمای زیادی را دیده و از مصاحبت آنها بهره‌مند گردیده و تجارب بسیاری را اندوخته و در کوران حوادث چون پولاد آبدیده گشته و سپس بپاد وطن خود شیراز افتاده



تصویر شیخ سعدی که از مجموعه موزۀ هنر در کلکته (Cica 1600 No.33)
عکس برافزای شده

(بازار از کتابخانه قاجاریه - در زمان منول
تألیف پرسی پروین بی ۱۳۴۱)

تصویر سعدی نقل از تاریخ ادبیات ایران تألیف :
ادوارد پروین

فرموده است :

چه خوش سپیده دمی باشد آنکه بینم باز

رسیده بر سر الله اکبر شیراز

(الله اکبر درّه ایست در شمال شیراز که راه شیراز به اصفهان از آن میگذرد)

و آنکه بشیراز مراجعت کرده است .

(تولای مردان این مرز و بوم برانگیختم خاطر از شام روم)

بازگشت شیخ اجل بشیراز مصادف بوده است با زمان

سلطنت اتابک ابو بکر سعد بن زنگی که بتدبیر او فارس از حملات

مغول مصون مانده و در آرامش بسر میبرده است .

شیخ اجل پس از ورود بشیراز مدتی در خانقاه شیخ

روز بهان معتکف گردید تا آنگاه که خواجه شمس الدین

صاحب دیوان و زیر آباقا خان که نسبت بشیخ ارادت زاید الوصفی

داشته مبلغی پول برای او فرستاده و شیخ نیز در کنار قنات

کازران (این قنات را از آن جهت کازران نامیده اند که بسیاری از

مردم و مخصوصاً آنهایی که شغلشان لباس شوئی بوده لباسها

را در آن میشسته اند زیرا که این آب لباسها را خوب تمیز و پاک

مینماید) یعنی همان جایی که آرامگاه اوست ، خانقاهی بساخت

که در آن فقراء و مساکین را غذا میداد (رجوع شود به بخش

آرامگاه سعدی) .



الكنيسة في القدس

شیخ در این خانقاه اقامت جست و بعبادت و ریاضت و تألیف و تصنیف و سرودن شعر پرداخت .

در طول همین مدت زندگی اوست (این مدت راقریب سی سال نوشته اند) که به تصنیف گلستان و بوستان مبادرت ورزیده و دیوان اشعار خود را تکمیل و تنظیم نموده است .

شیخ سعدی مورد احترام زیاد پادشاه وقت فارس اتابک ابو بکر سعد بن زنگی بوده است بهمین جهت شیخ رابه معلمی فرزندش سعد بن اتابک که ولیعهد بوده گمارده است .

شیخ اجل نیز کتاب بوستان را در سال ۶۵۵ و گلستان را در سال ۶۵۶ هجری قمری بنام این پادشاه تصنیف کرده است .
شیخ سعدی پس از عمری طولانی که آنرا بیش از یکصد سال نوشته اند در دهه آخر ذی حجه سال ۶۹۱ هجری قمری برحمت ایزدی پیوست و در خاک پاک خانقاهش مدفون گردید ، همان خاکی که خود فرموده است :

ز خاک سعدی شیراز بوی عشق آید

هزار سال پس از مرگ او گرش بوئی

(وفات سعدی را از سال ۶۹۱ تا ۶۹۵ نوشته اند ولی)

(آنچه صحیح و محقق است همان ششصد و نود و یک)

(درست میباشد زیرا علاوه بر اینکه اکثر تذکره نویسان)

(سال وفات او را ۶۹۱ نوشته اند ، این قطعه را که)



نسخه نقلی گلستان و قسسی از غزالیات، متعلق به آقای پروکرا دی که گلستان آن بنظر جناب
آقای محمد علی قزوینی بجا و رسید است
این عبارات پشت اولین صفحه گلستان مرقوم است و آری بد صحت انتساب آن به شیخ از
اعتبار نسخه که در نهایت اعتبار است نمی گافد.

نمونه از خط سعدی نقل از سعدی نامه

(دانشمند محترم آقای احمد سهیلی خوانساری از يك)

(كتاب قدیمی نقل کرده و در صفحه ۵۶۰ شماره ۸)

(سال چهل و یکم مجله ارمغان درج شده دلیل)

(بارزی است)

(خداوند معانی شیخ سعدی

که بودش از هنر صد گنج مایه)

(هم از نظم دلاویز روان بخش

براز هفتم سپهرش بود پایه)

(مه ذی الحجه بود از عشر آخر

سنه احدی و تسعین ست مائه)

مقام و مرتبه سعدی

گه گه خیال در سرم آید که این منم
 ملك عجم گرفته به تیغ سخنوری
 شیخ اجل سعدی در شعر و شاعری و نثرنویسی بمقامی
 رسیده است که تاکنون هیچیک از دانشمندان فارسی زبان به
 آن حد نرسیده است و شاید هم بعدها هم کسی نرسد ، بهمین
 جهت است که او را خداوند سخن و افصح المتکلمین خوانده اند
 و نوشته هایش را سهل و ممتنع نامیده اند . در غزلسرائی
 هیچکس بیایه او نرسیده است . چنانکه حافظ با آن علو مقامی که
 در غزلسرائی دارد فرموده است :

استاد غزل سعدی است نزد همه کس

و خود شیخ هم بدین نکته اشاره کرده و فرموده است :

بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس

حد همین است سخن دانی و زیبائی را

همه گویند و سخن گفتن سعدی دیگر است

همه دانند مزامیر ، نه همچون داود

قیامت میکنی سعدی بدین شیرین سخن گفتن

مسلم نیست طوطی را در ایامت شکر خائی

سخنان دلاویز سعدی از همان زمان حیات خودش چون

کاغذ زر دست بدست میبردند و قصب الجیب حدیثش چون نیشکر
میخوردند و بفاصله اندکی اشعار نغزش شرق و غرب را فراگرفت
چنانکه ابن بطوطه سیاح معروف مراکشی که قریب ۳۴ سال
بعد از وفات شیخ به چین رفته مشاهده کرده است که مطربان و
موسیقی دانان چین اشعار سعدی را میخواندند و با موسیقی
مینواخته اند. (رجوع شود به صفحه ۷۵ شماره ۲ سال اول مجله
یادگار) همین ابن بطوطه میگوید :

ملاحان چین اشعار سعدی را میخواندند .

روی سنگ قبر بعضی از ایرانیان که به اندونزی رفته و در آنجا
درگذشته اند ابیاتی از سعدی نوشته شده که هنوز هم موجود
است . از آنجمله روی سنگ مزار حسام الدین ابن امین تمام ابیات
این غزل سعدی :

بسیار سالها بسر خاک مارود کاین آب چشمه آید و باد صبارود
این پنجروزه مهلت ایام آدمی برخاک دیگران به تکبر چرارود
نوشته شده است .

در يك كتاب شامل وصیت نامه یکی از پادشاهان قدیم
مالاکابنام منصور شاه این بیت سعدی "رعیت چو بیخند و سلطان
درخت" در سرلوحه قرار گرفته است. (ص ۱۰۷ کتاب شیراز
تألیف آقای علی سامی)

بهمین جهت است که خود شیخ هم فرموده است :

هفت کشور نمیکند امروز بی مقالات سعدی انجمنی
 آقای علی دشتی نویسنده معروف و مؤلف کتاب قلمرو
 سعدی نوشته است : سعدی رب النوع فصاحت و بلاغت است
 سعدی خداوند زبان فارسی است ، کلیات شیخ بمنزله قرآن
 است ، در آن عذوبت و طلاقت و فصاحت و بلاغت حسن
 ترکیب و انتخاب کلمات با ذوق مخصوص تعبیه شده است و همیشه
 سرمشق پختگی و سلاست و زیبایی است ۰ (ص ۱۶۵ کتاب مکتب
 سعدی بنقل از کتاب سایه)

کلیات سعدی

آثار شیخ اجل اعم از نظم و نثر در کتاب قطوری جمع
آوری شده که آنرا کلیات سعدی نامند . کلیات سعدی شامل
رسالات زیر است :

- ۱- دیباچه بقلم علی بن احمد بن ابی بکر مشهور به "بیستون"
- ۲- رسالات ششگانه به نثر و نظم .
- ۳- کریمانه شعر
- ۴- گلستان در هشت باب به نثر و نظم
- ۵- بوستان در ده باب به نظم
- ۶- قصاید عربی
- ۷- قصاید فارسی
- ۸- مرثی
- ۹- ملمعات شامل ابیات عربی و فارسی
- ۱۰- مثلثات بزبان فارسی و عربی و محلی شیرازی
- ۱۱- ترجیعات به نظم
- ۱۲- طریبات مجموعه غزلیات
- ۱۳- بدایع " "
- ۱۴- خواتیم " "
- ۱۵- غزلیات قدیم

- ۱۶- صاحبيه شعر
- ۱۷- قطعات شعر
- ۱۸- رباعیات شعر
- ۱۹- مفردات "
- ۲۰- هزلیات شعر و نثر

نسخ کلیات و گلستان و بوستان

در ظرف این مدت هفت قرنی که از درگذشت شیخ اجل میگذرد کلیات سعدی مخصوصاً غزلیات و بوستان و بالاخص گلستان او به تعداد بسیار زیادی دست نویس شده بطوریکه امروزه در تمام موزه ها و کتابخانه های عمومی مهم دنیا و مجموعه های خصوصی نسخ آنها وجود دارد که غالباً تذهیب گردیده و دارای مجالس نقاشی و مینیاتوری میباشد . (صفحه ۱۶ کتاب شیراز تألیف آقای علی سامی)

از زمانیکه صنعت چاپ رواج پیدا کرد این کتب بصورت های مختلف و قطع های گوناگون چه در هند و ایران و چه در ترکیه و افغانستان و حتی ممالک اروپائی بتعداد زیادی چاپ و منتشر گردیده . بطوریکه میتوان ادعا کرد که بعد از قرآن مجید و کتب دینی هیچ کتابی در زبان فارسی به اندازه کلیات سعدی مخصوصاً گلستان و بوستان چاپ نشده است .

کتب بسیاری نیز در شرح و تحلیل اشعار و نوشته های سعدی تألیف و چاپ شده است که ذکر نام آنها موجب تطویل کلام است .

آثار سعدی مخصوصاً گلستان و بوستان به اکثر زبان های زنده دنیا ترجمه گردیده است . (رجوع شود به صفحه ۱۱۹ تا ۱۲۳ کتاب شیراز تألیف آقای علی سامی)

مقام سعدی در زهد و تقوی و عرفان و تصوف بقدری رفیع است که میگویند وی به اعلا درجه سیر و سلوک واصل شده است و کتاب بوستان او را بهترین دلیل این مدعا میدانند . چنانکه گفته اند :

سعدی یکی از عرفاء بزرگ شیعه بوده است .

و همچنین :

شیخ سعدی از مفاخر عالم تشیع و از زمره عرفاء شیعه مذهب است . که بروش عاقلانه خود جنبه وحدت اسلام را رعایت کرده و اختلاف در فرع را در اصل دین راه نداده است . (صفحه ۷۱ و ۷۳ کتاب مکتب عرفان سعدی تألیف آقای صدرالدین محلاتی)

به امید آنکه جایی قدمی نهاده باشی
 همه خاکهای شیراز بدیدگان برفتم
 در وسط کوچه ای که در مغرب جامع نو (مسجد سعد
 اتابك) واقع است . خانه ایست قدیمی که از قدیم الایام در
 شیراز معروف بوده که خانه سعدی است و در سالهای اخیر
 متعلق به مردی بود که او را شیخ غلامرضا علامه مینامیدند و او ادعا
 میکرد که از خانواده سعدی میباشد .

طبق تحقیقاتی که بوسیله کانون دانش پارس بعمل آمده
 این خانه منزل پدری سعدی بوده که سعدی در آن مدتی
 سکونت داشته است .^{۱۰} برای اثبات این موضوع رجوع شود به
 مقاله مفصل این جانب که در شماره ۴ سال ۲۶ مجله یغما درج
 شده است) .

بهمن جهت است که انجمن آثار ملی لوحه تهیه کرده
 است که باید در سردر آن خانه نصب گردد . عین کتیبه آن لوحه
 چنین است :

بسمه تعالی چون از آغاز سال هزار و سیصد و نود و یک
 هجری که مقارن با هفصدمین سال درگذشت شیخ اجل مشرف
 الدین مصلح شیرازی قدس سره بود هواخواهان شعر و ادب و

دلدادگان دانش و فرهنگ به تحقیق و تفتیش آثار و تصفح و
تفحص اخبار آن استاد بزرگوار سرگرم بودند و به امید آنکه
جائی قدمی نهاده باشد ، همه خاکهای شیراز بدیدگان برفتند
از آنجمله معلوم شد که این مکان فرخنده نشان زادگاه آن مفخر
ایران و بلبل آن سرابستان است .

گذشته از شیاع و تواتر قرائن و امارات بسیار نیز برایین
امر دلالت میکرد ، کانون ادب پارس با استعانت از روح پیر
فتوح شیخ اجل این لوحه را بیادگار در این مکان نصب نمودند
۱۳۹۲ هـ - ق ۱۳۵۳ هـ - ش

هفتصدمین سال تصنیف گلستان

چون سال ۱۳۱۶ شمسی که مصادف بود با سال ۱۳۵۶

قمری هفتصد سال از تصنیف کتاب گلستان سعدی میگذشت .

(کتاب گلستان در سال ۶۵۶ هجری قمری تصنیف شده است

چنانکه خود شیخ فرموده است :

در آن مدت که ما را وقت خوش بود

زهجرت ششصد و پنجاه و شش بود)

و زارت معارف (جناب آقای علی اصغر حکمت دانشمند معروف که

صاحب تألیفات عدیده است در آن سال وزیر فرهنگ بودند و

این جشن از ابتکارات ایشان بود) به افتخار این سال تاریخی

اقدامات زیر انجام داد :

۱- ساختمان مجلل دبیرستان اصفهان که پایان یافته بود بنام

دبیرستان سعدی نامیده شد .

۲- در دانشسرای عالی تهران جشن باشکوهی ترتیب یافت که

پس از سخن رانی ها و چکامه سرائی های دانشمندان و شعراء

داستانی از گلستان نمایش داده شده و همچنین در سراسر کشور

جشنهایی برپا گشت .

۳- يك دوره کلیات سعدی را از روی قدیمترین و معتبرترین

مأخذ چاپ و منتشر گردید .



سعدی و دوستانش
 مقدمه گلستان "نقل از سعدی نامه"

۴- يك شماره از مجله رسمی تعلیم و تربیت برای تحقیق و تتبع در آثار و احوال شیخ اجل اختصاص یافت که دانشمندان و فضلاء هر يك مقاله ای در آن نگاشتند و بنام سعدی نامه منتشر گردید .

آرامگاه سعدی یا سعدیه

(از قدیم الایام آرامگاه سعدی را سعدیه مینامیده اند)

(چنانکه آرامگاه خواجه حافظ را هم حافظیه میگفته اند)

زخاک سعدی شیراز بوی عشق آید
 هزار سال پس از مرگ او گرش بوئی
 در تنگی که بین کوه فهندر - فهندز - فهندژ - پهن دژ
 که در شمال شرقی شیراز و کوه چهل مقام - کوه صبوی در شمال
 شیراز قرار گرفته قناتی است که قریب ده متر از سطح زمین گودتر
 و آبی زلال در آن جاری است و ماهی های زیادی در آن دیده
 میشود .

این تنگ را تنگ سعدی و این قنات راقنات کازران نامند و
 قسمتی از آن که در آرامگاه سعدی رو باز است و باطی پله کانهائی
 میتوان به آب آن دست یافت حوض ماهی گویند .
 آب این قنات یکنوع آب معدنی است که در آن مقداری جیوه
 محلول است و از این رو از قدیم الایام آب تنی در آن را مفید تشخیص
 داده بودند . (بهمین جهت است که از قرنهای پیش تا کنون اهالی
 شیراز شب چهارشنبه سوری مرد و زن پیر و جوان به سعدیه میرفتند
 و آب تنی کردن در آب قنات کازران را واجب میشمردند . و این
 رسم هنوز برقرار است)

بشرحیکه ذکر شد وقتیکه شیخ اجل از سفر طولانی خود بشیراز مراجعت کرد ، در کنار قنات گازران (محل کنونی آرامگاه) خانقاهی ساخت . این خانقاه بعد از وفات شیخ همچنان دائرو زیارتگاه عموم بوده است .

ابن بطوطه سیاح مراکشی که در سال ۷۴۸ قمری (یعنی ۵۷ سال بعد از وفات شیخ بشیراز آمده زیارت آن رفته و در باره آن چنین مینویسد : از مشاهدی که در بیرون شهر شیراز واقع شده قبر شیخ صالح معروف به سعدی است که در زبان فارسی سرآمد شاعران زمان خود بوده و گاهی نیز در بین سخنان خویش شعر عربی سروده است ، مقبره سعدی زاویه ای دارد نیکو بنا باغی نمکین که او خود در زمان حیات خویش بنا کرده و محل آن نزدیک سر چشمه نهر معروف به رکن آباد است . (ابن بطوطه آب گازران را بارکن آباد اشتباه کرده است زیرا که نهر رکن آباد هیچوقت در تنگ سعدی جریان نداشته است) و شیخ در آنجا حوضچه هائی از مرمر در آورده که برای شستن لباس میباشد — مردمان از شهر زیارت شیخ آمده ، پس از خوردن غذای سرفره خانه شیخ و شستن لباسها مراجعت میکنند و من خود نیز چنین کردم ، رحمت خدا بر او باد (نقل از کتاب سفرنامه ابن بطوطه ترجمه محمد علی موحد) .

بدیهی است آرامگاه سعدی که مطاف اهل دل و زیارتگاه

عمومی بوده از همان دوره اتابکان بقیه و بارگاهی داشته و البته
چندین مرتبه تعمیر شده است .

دولتشاه سمرقندی در کتاب تذکرة الشعراء که در سال
۸۹۳ قمری تألیف شده نوشته است که :

تربت شیخ سعدی اکنون در شیراز جائی فرح بخش و
حوضی باصفاست و عمارتی بی نظیر در آنجا واقع است ، مردم را
بدان مرقدارادت است . (کتاب شیراز تألیف آقای علی سامی)
مرحوم کریمخان زند در سال ۱۱۸۷ هجری قمری عمارت
آرامگاه سعدی را تجدید بنا کرد و عمارت مجللی را بر روی قبر سعدی
ساخت و دور آن را باغی مصفا احداث نمود ، و حوض ماهی را بشکل
زیبائی مرمت نمود .

عمارتی را که کریمخان از آجر ساخت دو طبقه داشت :

طبقه زیرین ، در وسط راه روی داشت که پلکان طبقه دوم از
آنجا شروع میشد . طرفین راه رو هر طرفی دو اطاق کرسی دار بود
در قسمت شرقی ابتدا اطاقی بود و سپس اطاق وسیع دیگری با اطاق
مرتفعی قرار داشت که قبر سعدی در آن بود و محجری چوبی آنرا
احاطه کرده بود .

در قسمت غربی راه رو هم دو اطاق قرینه قسمت شرقی قرار داشت
که بعدها مرحوم شوریده در اطاق غربی آن مدفون گردید .
طبقه بالا نیز مانند طبقه زیرین بود جز اینکه روی اطاق



آرامگاه سعدی نقل از سفرنامه مادام دیولافوا

شرقی که قبر شیخ در آن قرار داشت به احترام او اطاقی ساخته بودند و طاق آن به اندازه دو طبقه مرتفع بود . تمام اطاق ها از جلو دارای درك بود

بعد از کریمخان هم عمارت آرامگاه شیخ چند مرتبه تعمیر و مرمت شده است . چنانکه مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب ماثروالآثار ضمن شرح تعمیرات ابنیه تاریخی که در زمان ناصرالدین شاه قاجار صورت گرفته نوشته است که :
 "در سال ۱۳۰۱ هجری قمری تعمیر بقعه شیخ مصلح الدین سعدی علیه الرحمه بدست جناب مستطاب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان صورت گرفته"

در سال ۱۳۲۹ هجری قمری مرحوم حبیب الله قوام الملك شیرازی تعمیراتی در عمارت آرامگاه سعدی انجام داده است که بهمین مناسبت مرحوم شوریده قصیده ای در وصف مقام سعدی و سعدیه سرود که دور اطاق آرامگاه سعدی گتیه شده بود و مطلع آن این است :

تبارك الله از این بقعه و از این درگاه

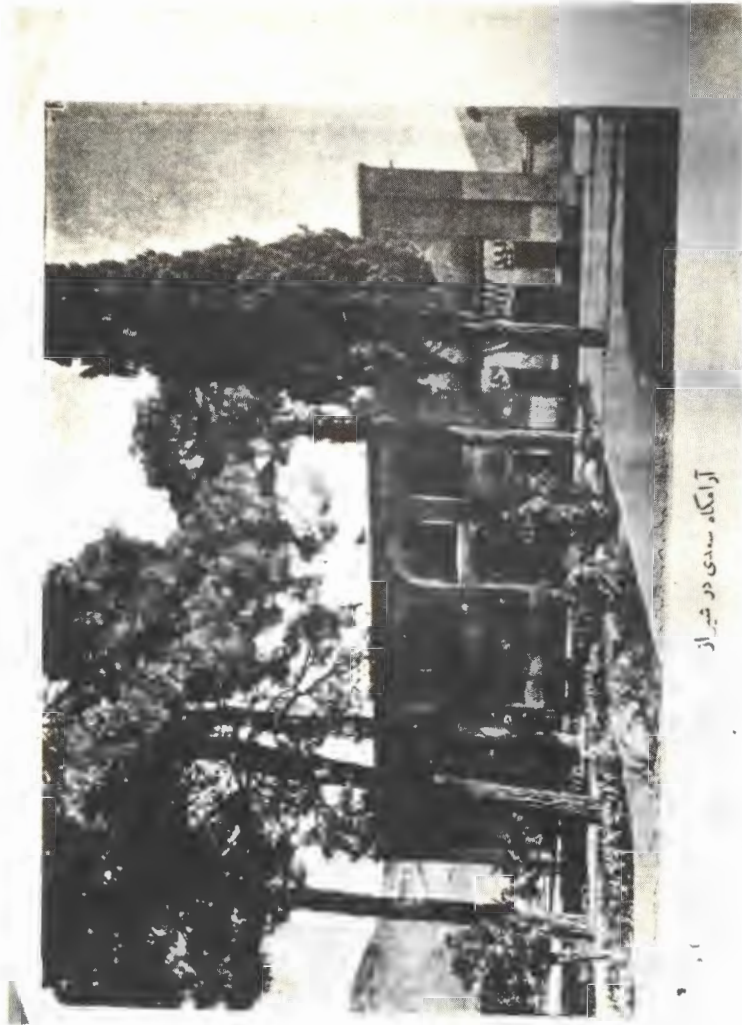
که برگزیده ز ناهید و سرکشیده بماء

در سال ۱۳۰۵ شمسی نیز مرحوم ابراهیم قوام الملك

تعمیراتی در آرامگاه سعدی و محوطه آن انجام داد .

در سال ۱۳۲۷ خورشیدی انجمن آثار ملی تصمیم گرفت

آرامگاه سعدی شیراز از بناهای کریم خان زند



که آرامگاه مجللی را برای شیخ سعدی بسازد لذا عمارت کریمخانی را خراب کردند و عمارت آرامگاه فعلی را ساختند .

این عمارت روی شالوده عمارت کریمخانی بنا شده و شامل يك اطاق هشت ضلعی است که در وسط آن قبر شیخ قرار دارد و بالای سقف بلند آن گنبدی است که باکاشی های آبی پوشیده است . سپس ایوانی باریك دارد که در انتهای غربی آن اطاق کوچکی است که مقبره مرحوم حاج فصیح الملك شوریده شیرازی در آن قرار دارد .

در جلو این ایوان حوض مربع مستطیلی است که از آب قنات حوض ماهی پر میشود .

دور آرامگاه باغ مشجری است و قسمتهائی از آن چمن و گل کاری شده است ، در طرف مغرب باغ آرامگاه سالنی برای پذیرائی و یکی دو اطاق برای مستخدمین و دست شوئی ساخته شده است .

آرامگاه سعدی



گشایش رسمی آرامگاه جدید سعدی

عمارت جدید آرامگاه سعدی که از طرف انجمن آثار ملی
از سال ۱۳۲۷ شمسی شروع شده بود ، در سال ۱۳۳۰ خاتمه
یافت .

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی آریامهر که علاقه
خاصی به تجلیل بزرگان کشور دارند موافقت فرمودند که برای
افتتاح آرامگاه سعدی بشیراز تشریف فرما شوند ، از این رو در
اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ شمسی بشیراز تشریف فرما شدند .
روز یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ موکب ملوکانه به آرامگاه
تشریف فرما شدند و نطق زیر را ایراد فرمودند :

"من بسی خوشوقت و شادمانم که امروز در این سرزمین تاریخی
آرامگاه استاد سخن شیخ مشرف الدین مصلح سعدی را که بنیادش
بدستور من و بکوشش و پایمردی انجمن آثار ملی نهاده شده است
افتتاح میکنم و سزاوار است که در اینموقع از حسن مراقبت و اهتمامی
که اعضای دانشمند انجمن آثار ملی در اجرای نیت من و انجام
این خدمت فرهنگی و اجتماعی بکار برده است قدردانی کرده
مسرت خاطر خود را اظهار بدارم ، خطه فارس در نظر من بیشتر
از آنرو شایان توجه است که گنجینه آثار باستانی و مهـــــــــــــــــد



لوحه یاد بود تجدید بنای آرامگاه سعدی

شاهنشاهان بزرگ ایران است و دانشمندی مانند حافظ و سعدی و دیگر بزرگان و استادان علم و ادب در آن جای داشته اند که مردم این سرزمین درس ادب و شهامت و فضایل اخلاقی را از دفتر تعلیمات آنان آموخته اند .

اگر کالبد این نوابغ فضل و دانش در این سرزمین خفته و روی در خاک تیره نهفته است ، روان تابناکشان در عالم معارف الهی و فضای ملکوت آسمانی طیران دارد و نور افشانی میکند ، سعدی هفتصدسال پیش در فارس سخن میگفت و قصب الجیب حدیث وی را هنوز جهانیان چون نیشکر میخورند ، سعدی از گنج دانش ایران برآمد و آثار گرانبهایش را هم اکنون در بازارهای معرفت دنیا چون کاغذ زر میبرند .

سعدی پایه سخندانی را بر اساسی گذاشت و حد زیبائی ادبیات پارسی را بجائی رسانید که میتوان گفت حد همین بوده سخندانی و زیبائی را .

ای استاد ارجمند تو در جوار فضل و عنایت خداوندی خوش باش و شاد باش و روان ادب و زبان پارسی با سخنان روح پرور تو همیشه زنده و گویا باد .

پس از ایراد نطق ، در حضور رجال برجسته و بزرگان و شعراء و دانشمندان کشور که بشیراز آمده بودند با قطع نوار سه رنگ آرامگاه جدید سعدی را افتتاح فرمودند .

بمناسبت افتتاح جدید آرامگاه سعدی بسیاری از شعرای
ایران قصاید غرائی در مدح سعدی و توصیف آثار او سرودند
که در نشریه های شماره ۱ و ۲ انجمن آثار ملی و جرائد و مجلات
آنوقت درج شده است .



مجسمه سعدی

همان وقتی که آرامگاه سعدی ساخته میشد ، مجسمه سعدی را هم از روی يك عكس قدیمی تهیه گردید . این مجسمه سعدی را بحال ایستاده نشان میدهد که کتاب کلیات خود را در دست دارد بوسیله استاد هنرمند ابوالحسن صدیقی از سنگ یکپارچه ساخته شده است .

ارتفاع مجسمه ۱۰/۳ متر و قریب ۵ تن وزن دارد .
همانروز که آرامگاه سعدی بدست مبارک شاهنشاه آریامهر افتتاح شد . باحضور وزیر دربار و رئیس انجمن آثار ملی و وزیر فرهنگ و جمعی از ادباء و دانشمندان از مجسمه سعدی هم پرده برداری شد .

این مجسمه در وسط فلکه دروازه اصفهان که مدخل شیراز شناخته شده بود روی پایه ای متجاوز از سه متر ارتفاع دارد نصب شده است .

در پایه مجسمه لوحه ای نصب شد که این عبارت روی آن نوشته شده بود :

«ابوعبدالله مشرف بن مصلح شیرازی متولد در حدود ششصد و پنچ و متوفی در حدود ششصد و نود هجری .»



مجسمه سعدی دروازه اصفهان شیراز

من آن مرغ سخندانم که در خاکم رود صورت

هنوز آواز می‌آید که سعدی در گلستانم

این پیکر مبارک بیادگار استاد سخن سعدی شیرازی از

از روی کهن ترین تصاویر موجود بدست هنرمند ابوالحسن

صدیقی پرداخته شد و از طرف انجمن آثار ملی بشهر شیراز

مینو طراز نیاز گردید ۰ ۱۳۳۰ شمسی برابر ۱۳۷۰ قمری ۰

کتیبه های آرامگاه شیخ

سخن لطیف سعدی نه سخن که قند مصری
 خجل است از این حلاوت که تودرکلام داری
 در داخل مقبره و ایوان آن ، منتخباتی از نظم و نثر شیخ
 سعدی انتخاب گردیده و بروی کاشی بخط نستعلیق نوشته
 شده است .

این منتخبات که بخط زیبای آقای ابراهیم بوذری است ،
 بشرح زیر میباشد :

روبروی در ورودی به مقبره "مشرق آرامگاه" صفحه ای از
 سنگ سفید نصب گردید که بر بالای آن تاجی است و سپس این
 عبارات در روی آن نقر گردیده است :

"به خجسته روزگار شهریار اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی
 شاهنشاه سخن شناس و آبادگر ایران ، تجدید بنای این بقعه
 که فرمان همایونش بر آغاز آن شرف صدور یافته بود انجام گرفت
 و در یازدهم اردیبهشت ماه سال خورشیدی یک هزار و سیصد و
 سی یک که برابر یازدهمین سال تاجگذاری آن شهریار است ،
 آرامگاه استاد سخن سعدی بزرگوار هم بدست عنایت آن شاهنشاه
 گشوده گشت "

در زیر کتیبه این شعر سعدی روی سنگ سیاه رنگی نقل شده



کتابخانه داخل آرامگاه

اگر مرا بدعائی مدد کنی شاید

که آفرین خدا بر روان سعدی باد

در زاویه شمال شرقی این ابیات از بوستان انتخاب و

روی کاشی نوشته شده است :

الا ایکه برخاك ما بگذری

بخاك عزیزان که یاد آوری

که گر خاک شد سعدی او را چه غم

که در زندگی خاک بود است هم

به بیچارگی تن فرا خاک داد

دگر گرد عالم برآمد چو باد

بسی بر نیامد که خاکش بخورد

دگر باره بادش بعالم میبرد

بزرگی که خود را بخردی شمرد

بدنیا و عقبی بزرگی بیبرد

تو آنکه شوی پیش مردم عزیز

که مرخوشتن را نگیری بچیز

از این خاکدان بنده ای پاک شد

که در پای کمتر کسی خاک شد

نگر تا گلستان معنی شگفت

در او هیچ بلبل چنین خوش نگفت

عجب گر بمیرد چنین بلبلی

که بر استخوانش نروید گلی
 در زاویه شمال غربی این ابیات از طبییات نقل شده است،
 به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
 عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
 به غنیمت شمر اید و ست دم عیسی صبح
 تا دل مرده مگر زنده کنی کاین دم از اوست
 نه فلک راست مسلم نه ملک را حاصل
 آنچه در سرّ سوید ای بنی آدم از اوست
 بحلاوت بخورم ز هر که شاهد ساقی است
 به ارادت بکشم درد که در زمان هم از اوست
 زخم خونینم اگر به نشود به باشد
 خنک آن زخم که هر لحظه مرا مرهم از اوست
 غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد
 ساقیا باده بده شادی آن کاین غم از اوست
 پادشاهی و گدائی بر ما یگسان است
 که بر این در همه راپشت عبادت خم از اوست
 سعدیا سیل فنا گر بکند خانه عمر
 دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست
 در زاویه جنوب شرقی این عبارات از گلستان نوشته شده

است :

یاد دارم که با کاروانی همه شب رفته بودم و سحرگاه بر کنار بیشه ای خفته شوریدهای همراه ما بود ، نعره بزد و رامیابان در پیش گرفت و يك نفس آرام نیافت چون روز شد گفتم این چه حالت بود ، گفت بلبلان را دیدم بنالش در آمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان از آب و بهائم از بیشه اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من بغفلت خفته ،

دوش مرغی بصبح مینالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید بگوش
گفت باور نداشتم که ترا بانگ مرغی چنین کند مد هوش
گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح خوان و من خاموش
در زاویه جنوب غربی این ابیات از کتاب بدایع نقل شده
است :

ای صوفی سرگردان در بند نگو نامی

تا دُرد نیا شامی زین درد نیارامی

ملك صمدیت را چه سود و زیان دارد

گر حافظ قرآنی و رعابد اصنامی

زهدت بچه کار آید گر رانده درگاهی

کفرت چه زیان دارد گر نیگ سرانجامی

بیچاره توفیقند هم صالح و هم طالح
 درمانده تقدیرند هم عارف و هم عامی
 جهدت نکند آزاد ای صید که در قیدی
 سودت نکند پرواز ای مرغ که در دامی
 جامی چه بقا دارد در رهگذر سنگی
 دور فلک آن سنگ است ای خواه تو آن جامی
 این ملک خلل گیرد گر خود ملک رومی
 وین روز بشام آید گر پادشاه شامی
 کام همه دنیا بر هیچ بنه سعدی
 چون بادگران باید پرداخت بنه اکامی
 گر عاقل و هشیاری و ز دل خبری داری
 تا آدمیت خوانند ورنه کم از انعامی
 بر بالای در و رودی به آرامگاه (در داخل آرامگاه) این
 ابیات از قصاید نقل شده است :
 خوش است عمر در یغا که جاودانی نیست
 پس اعتماد بر این پنجر و ز فانی نیست
 درخت قد تو صنوبر خرام انسان را
 مدام رونق نوباوه جوانی نیست
 گلی است خرم و خندان و تازه و خوشبوی
 و لیک امید ثباتش چنان که دانی نیست

دوام پرورش اندر کنار مادر دهر
 طمع مکن که در او بوی مهر بانی نیست
 چه حاجت است عیان رابه استماع بیان
 که بیوفائی د و ر فلک نهانی نیست
 کدام باد بهاری وزید در آفاق
 که باز در عقبش نکبت خزان نیست
 اگر ممالك روی زمین بدست آری
 بهای مهلت يك روز زندگانی نیست
 دل ای رفیق در این کار و انسرای مبند
 که خانه ساختن آئین کاروانی نیست
 اگر جهان همه کام است دشمن اندر پی
 بدوستی که جهان جای کامرانی نیست
 چو بت پرست بصورت چنان شدی مشغول
 که دیگر خبر از لذت معانی نیست
 نگاهدار زبان تابد و زخت نبیـــــــرند
 که از زبان بتراند رجهان زیانی نیست
 عمل بیار و علم بر مکش که مردان را
 رهی سلیم تراز کوی بی نشانی نیست
 طریق حق رو و در هر کجا که خواهی باش
 که کنج خلوت صاحب دلان مکانی نیست

کف نیاز بدرگاه بی نیاز ————— رآر

که کار مرد خدا جز خدای خوانی نیست

مکن که حیف بود دوست بر خود آزدن

علی الخصوص مران دوست را که ثانی نیست

چه سود ریزش باران و عظم بر سر خلق

چو مرد را به ارادت صدف دهانی نیست

زمین به تیغ بلاغت گرفته ای سعدی

سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست

بدین صفت که در آفاق صیت شعر تو رفت

نرفت دجله که آبش بدین روانی نیست

نه هر که دعوی زور آوری کن ————— د باما

بسر برد که سعادت به پهلوانی نیست

ولی بخواجه عطار گو ستایش مشک

مکن ، که بوی خوش از مشتری نهانی نیست

در ایوانهم دو کتیبه است ، این کتیبه بالای در ورودی

به آرامگاه است (از خارج و داخل ایوان) :

بسی صورت بگردیده است عالم

وزین صورت بگرد دعا قبت ه ————— م

مثال عمر سر بر کرده شمعی است

که کوته باز میباشد د ————— م ا د م

و یابرف گدازان بر سر گوه

کز و هر لحظه چیزی میشود کم

نه چشم طالع از دنیا شود سیر

نه هرگز چاه پر گردد ز شبنم

گل فرزند آدم خشت کردند

نمی خسبد دل فـرزند آدم

بسیم و زر نکونامی بدست آر

منه بـهرم که برگیرندش از هم

نه نیشی میزند دوران گیتی

که آنـرا تا قیامت هست مرهم

بنقل از اوستادان یاد دارم

که شاهان عجم کی خسرو و جـم

ز سوز سینه فریاد خواهان

چنان پرهیز کـردندی که از سم

نه هر کس حق تواند گفت گستاخ

سخن ملکی است سعدی را مسلـم

مقامات از دو بیرون نیست فردا

بهشت جاودانی یا جهنـم

بکار امروز تخم نیکنامـی

که فردا بر خوری ، و اله اعلم

این کتیبه در دیوار غربی ایوان (بالای در مقبره
شوریده) نصب است .

خاک من و توست که باد شمال

می ببرد سوی یمین و شمال
عمر به افسوس برفت آنچه رفت .

دیگرش از دست مده بر محال
گر بمثل جام جم است آدمی

سنگ اجل بشکندش چون سفال
ایکه دورنت بگنه تیـــــره شد

ترسست آینه نگیرد صقـــــال
زنده دل مرده ندانی که کیست ؟

آنکه ندارد بخدا اشتغـــــال
پادشهان بر در تعظیـــــم او

دست بر آورده برای سئـــــوال
بار خدائی که درون صـــــدف

در کنـــــد از قطـــــره آب زلال
فهم بسی رفت و نبودش طـــــریق

و هم بسی گشت و نماندش مجـــــال
بردل عشاق جمالش خوش است

تلخی هجران به امید وصال

بنده دگر برکه کنـــد اعتماد

گر نکند بر کرم ذوالجلال

هر که به گفتار نصیحت کنان

گوش ندارد بخورد گوشمال

گر قدمت هست چو مردان برو

ور عملت نیست چو سعدی بنال

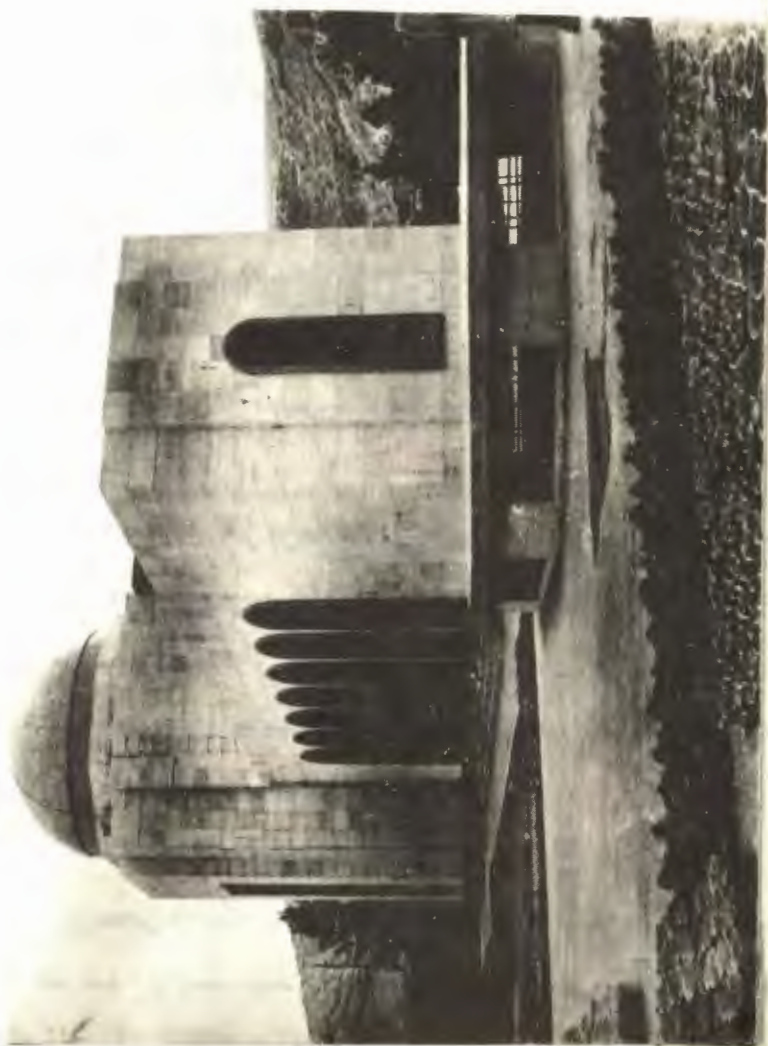
(این کتیه ها را جناب آقای علی اصغر حکمت)

(از کلیات سعدی انتخاب کرده اند)

حوض ماهی

بسیار سالها بسر خاک ما رود
 کاین آب چشمه آید و باد صبارود
 از قدیم الایام قسمتی از قنات کازران که در صحن آرامگاه
 سعدی جریان داشته رو باز بوده و مردم باطی چند پله به لب
 آن آب رسیده و در آن آب تنی میکرده اند ، و چون در آن
 ماهی فراوان وجود داشته آنرا حوض ماهی مینامیده اند .
 در سال ۱۳۲۷ شمسی که عمارت جدید آرامگاه ساخته
 شد ، حوض ماهی را هم مرمت کردند و دیوارهای آنرا با کاشی های
 معرق پوشانیدند .
 اخیرا محوطه زیر صحن آرامگاه (دور جدول آب) را توسعه
 داده و سقف آنرا با بیم های آهن محکم کرده و آنرا بشکل چایخانه
 در آورده اند که زائران سعدی و سیاحان پس از زیارت قبر
 سعدی دمی در آنجا بیا سایند و چای بنوشند و گذر عمر خود را
 بشکل آب روان بچشم خویش به بینند .
 خصوصیات این چایخانه چنین است :
 از صحن آرامگاه باطی ۲۸ پله به محوطه ایکه بشکل هشتی
 ساخته شده وارد میشوند . در اطراف این هشتی ۸ طاق نما است
 که اطراف آنها با کاشی معرق تزیین شده است .

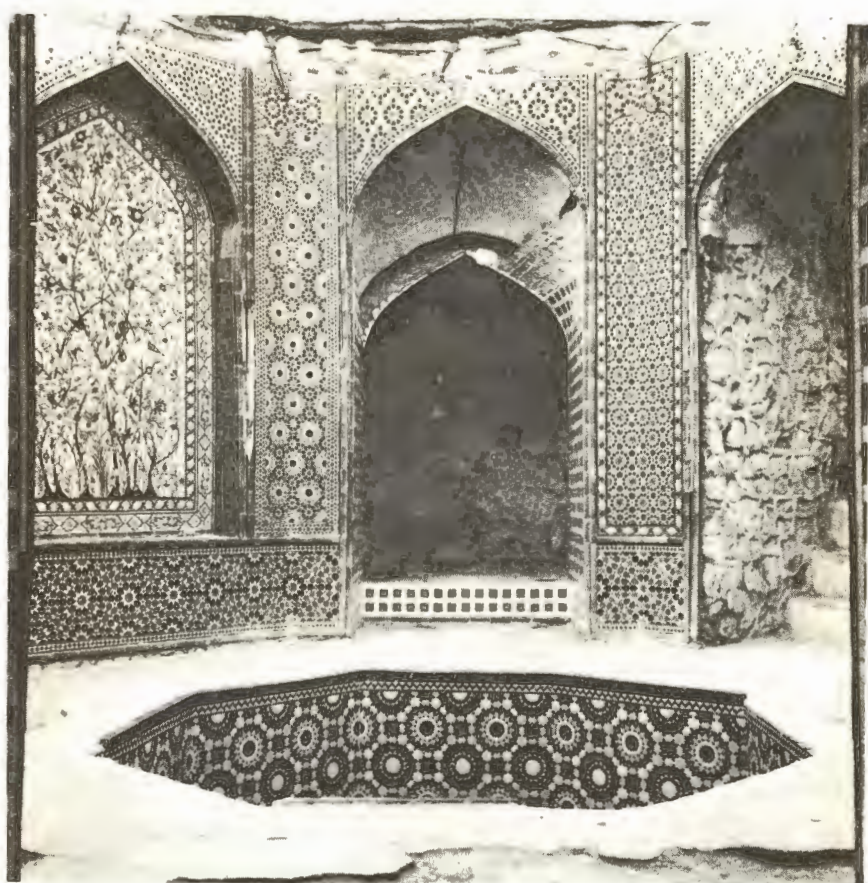
آرامگاه سعدی و قسمت بیرون حوض ماهی



درد و عدد از طاق نماها پلکانهائی است که به بالا و پائین
 میرود و پشت سه عدد طاق نماها شاه نشین هائی تعبیه شده
 است . از این هشتی با ۱۳ پله پائین میروند تا به لب آب
 میرسند .

ابیات زیر از دیوان سعدی را انتخاب کرده و روی کاشی
 هائیکه در طاق نمای روبروی پله ها نصب شده ، نوشته شده
 است :

بسیار سالها بسر خاک ما رود
 کاین آب چشمه آید و باد صبا رود
 این پنج روزه مهلت ایام آدمی
 بر خاک دیگران به تکبر چرارود
 اید و ست بر جنازه دشمن چو بگذری
 شادی مکن که بر تو همین ماجرارود
 دامن کشان که میروی امروز بر زمین
 فردا غبار کالبدت بر هــوارود
 خاکت در استخوان رودای نفس شوخ چشم
 مانند سرمه دان که در آن توتیا رود
 دنیا حریف سفله و معشوق بیوفاست
 چون می رود هرآینه بگذار ، تارود



قسمت داخلی حوض ماهی

این است حال تن که تو بینی بزیر خاک
 تاجان نازنین که برآید ، کجا رود
 بر سایبان حسن عمل اعتماد نیست
 سعدی مگر بسایه لطف خدا رود

توسعه آرامگاه

تأپیش از سال ۱۳۲۲ شمسی زمین باریکی که عرض آن از ۲۰ متر تجاوز نمیکرد ، دور عمارت کریمخانی قرار داشت که درختانی در آنها غرس شده بود .

هنگام ساختن آرامگاه جدید ، عمارت کریم خانی را خراب کردند و زمین های دور عمارت جدید را مخصوصا در جلو آرامگاه توسعه دادند و در سمت مغرب آرامگاه سالنی برای پذیرائی و چند اتاق برای خدمتگزاران و دست شوئی ساختند .

در سال ۱۳۵۰ در اثر کوشش اداره فرهنگ و هنر فارس مقدار زیادی زمین که در مغرب آرامگاه بود جزء صحن آرامگاه کردند و دیوار غربی آرامگاه تالب رودخانه خشک ادامه دادند ، قرار است ساختمانهای فعلی (سالن و اطاقها و دست شوئی) را خراب کنند و در عوض در حاشیه آن زمین وسیع سالن پذیرائی و کتابخانه و گلخانه و اطاقهای خدمتگزاران بسازند .

کتابخانه آرامگاه سعدی

از سال ۱۳۳۱ شمسی که آرامگاه جدید سعدی ساخته شد ، طرح کتابخانه ای هم برای آن ریختند و چند جلد کتابی بتدریج جمع آوری گردید .

در سال ۱۳۵۰ بهمت اداره کل فرهنگ و هنر فارس کتابخانه سعدی بدو قسمت تقسیم شد .

اول کتابخانه عمومی ، این کتابخانه که در سالنی در مغرب صحن آرامگاه تاسیس گردیده ، فعلا در حدود دو هزار جلد کتاب مختلف دارد و اهالی آنجا و مخصوصا دانش آموزان قریه سعدی از آن استفاده میکنند .

دوم مرکز سعدی شناسی — بنابر تصمیم اداره کل فرهنگ و هنر فارس در آرامگاه سعدی مرکزی بوجود آمده تا هرچه ممکن باشد اسناد و مقالات و کتب راجع بسعدی گردآوری و در آن نگهداری گردد تا هرکسی خواست در اطراف سعدی تحقیقاتی بنماید منابع کافی در دسترسش باشد .

بدین منظور اطاقی به مرکز سعدی شناسی اختصاص داده شده و در آن اسناد و مدارك زیر گردآوری شده است :

- ۱- چند نسخه خطی گلستان و کلیات .
- ۲- نسخ چاپ شده کلیات و گلستان و بوستان و غزلیات .

- ۳- کتبی که درباره زندگانی و تفسیر و تحلیل اشعار سعدی
تألیف شده است .
- ۴- ترجمه اشعار سعدی بزبانهای خارجی .
- ۵- مجلات و نشریه های که مقالاتی راجع بسعدی در آنها
چاپ شده است .
- ۶- ر و نوشتنی از مقالات تحقیقی راجع بسعدی .
- ۷- عکسهای از چهره های سعدی که در ادوار مختلفه
کشیده شده است .
- ۸- عکسهای از آرامگاه و قبر سعدی در ادوار مختلفه .
- ۹- صورت نسخ خطی و چاپی کلیات سعدی در کتابخانه های
مهم دنیا .
- ۱۰- عکسهای از بعضی نسخ خطی کلیات و گلستان

سنگ مزار سعدی

هرکه نشنیده است وقتی بوی عشق

گوبشیراز آی و خاک من ببوی

از قدیم الایام روی قبر شیخ سعدی سنگی قرار داشت

که گویا مربوط بدوره اتابکان بوده است . روی سنگ و اطراف

آن کتیبه هائی وجود داشته و چهار گوشه آن چهار قبه قرار

داشته است .

عکس این سنگ بنقل از کتاب سفرنامه مادام دیولافوا در

صفحه ۲۹ گراور شده است .

در زمان کریمخان زند که آرامگاه شیخ را ساخته اند سنگ

مزبور را همانطور نگهداشته بودند .

در دوره قاجاریه یکی از مجتهدین شیراز بیبانه اینکـ

سعدی مذهب تسنن داشته سنگ قبر مزبور را شکسته است .

هنگام ساختن آرامگاه فعلی سعدی نصف سنگ قبری از زیر

خاک پیدا شد که احتمال داده میشود نصف همان سنگ باشد ، این

سنگ فعلا در موزه پارس نگهداری میشود و گراور آن در صفحه

۶۴ ملاحظه میفرمائید .

روی این سنگ و اطراف آن کتیبه هائی است بخط ثلث قدیمی

که بدینسان است .



سنگ قبر سعدی

روی سنگ این کتیبه است .
 مجمع الفصحاء الملكيه . ينبوع المحامد السنیه ۰۰۰۰۰ ذوالمعانی
 الاحسان المشارالیه بالبنان ابو عبدالله ۰۰۰۰۰ السعدی
 در اطراف این کتیبه و دور بدنه سنگ نیز کتیبه هائی
 است که غالباً آیات قرآنی است و این کلمات آن خوانده شده .
 قالوا ربنا الله استقاموا و تنزل عليهم الملائکه ۰۰۰۰۰
 اليقين مقتدى السالکين ان الله علیم خبير ۰۰۰۰۰ صدق الله .
 چند سال بعد از شکسته شدن سنگ مزار ، مرحوم علی اکبر
 خان قوام الملك شیرازی سنگ کنونی را که سماق سرخ کمرنگی است
 روی قبر شیخ انداخت و کتیبه زیر را که از بوستان است بر آن
 نقل کرد .

کل شیئی هالک و انت الباقي .
 کریم السجایا جمیل الشیم
 نبی البرایا شفیع الامم
 شفیع الوری خواجه بعث و نشر
 امام الهدی صدر دیوان حشـر
 امام رسل پیشوای سبیل
 امین خدامهبط جبرئیل
 شفیع مطاع نبی کـریم
 قسیم جسیم و سیم بسیـم



قسمتی از سنگ قبر سابق سعدی که اکنون در موزه پارس
نگهداری میشود

نماند بعصیان کسی در گـرو
 که دارد چنین سیدی پیشـرو
 چه نعمت پسندیده گویم تـرا
 عليك الصلواة ای نبی السـوری
 درود ملك بر روان تو بـاد
 بر آل تو و پیروان تو بـاد
 خصوصا شهنشاه دلدل سـوار
 علی ولی صاحب ذوالفقـار
 خدایا بحق بنی فاطمـه
 که بر قولم ایمان کنی خاتمـه
 اگر طاعتم رد کنی و رقبـول
 من و دست و دامان آل رسـول
 چه کم گردد ای صدر فرخنده پی
 ز قدر رفیعت بدرگـاه حی
 که باشند مشتی گدایان خیـل
 به مهمان دارالسلامت طفیـل
 خدایت ثنا گفت و تبجیل کـرد
 زمین بوس قدر تو جبریل کـرد
 ترا عز لولاك تمکین بس اسـت
 ثنای توطه و یسن بس اسـت

بود اهل عالم بوصف توالل

فزون از قیاس است جاه و جلال

چه وصف کند سعدی ناتمام

عليك الصلوة ای نبی والسلام

کسانیکه در جوار سعدی خفته اند

از همان زمانیکه روح پاک سعدی قفس تن خاکی را رها
 کرد و بسوی کنگره عرش پرواز نمود و تن مبارکش را در صفا خانقاهش
 دفن کردند (صفحه ۴۶۲ کتاب شد الا زار) مردم شیراز بادیده
 احترام به آن خاک پاک نگر نیستند و برای آن مقام قد و سیت
 قائل شدند و لذا بسیاری از عرفاء و دانشمندان و شعراء و بزرگان
 شیراز در آرامگاه او (خانقاه شیخ) مدفون شدند .
 در اثر تحولاتی که در آرامگاه راه یافته و تعمیراتی که در
 آن صورت گرفته متأسفانه کلیه آثار قبور یکیه در جوار سعدی بوده
 از بین رفته و اکنون هیچ گونه اثری از آنها نیست .
 مرحوم فرصت الدوله در کتاب آثار عجم نوشته است که :
 بسیاری از فضلاء و حکماء در جوار شیخ بزرگوار مدفونند ،
 از جمله حکیم متأله مرحوم ملا علی ملقب به قطب که ماده تاریخ
 او این است :

از دایره قطب رفته بیرون (۱۲۹۲ ق)

شاعر مشهور قرن اخیر شیراز ، حاج محمد تقی شیرازی ملقب
 به فصیح الملك و متخلص به شوریده در سفر یکیه به تهران رفت ،
 ناصرالدین شاه قاجار تولیت آرامگاه سعدی را طی فرمانی بوی

مفوض داشت . از این رو چون در سال ۱۳۴۵ هجری قمری
برحمت ایزدی پیوست در اطاق غربی عمارت کریمخانی آرامگاه
سعدی مدفون گردید .

در بازسازی اخیر آرامگاه سعدی بروی قبر شوریده هم
که در انتهای ایوان قرار گرفته بود ، اطاق کوچکی ساختند که
اکنون بنام آرامگاه شوریده موسوم است .
کتیبه سنگ مزار شوریده که از گفته های خود اوست چنین
است :

چون برین در سرو کار است برحمن و رحیم
نه امیدم به بهشت است و نه بیمم ز جحیم
گر بود رحمتی از حق زد و صد حشر چه باک
و ر بود رأفتی از شه زد و صد شحه چه بیم
بنده ایزدم و معتقد احمد و آل
مذهب و ملت از جعفر و از ابراهیم
من تهی دست سوی دوست شدم این عجب است
وین عجبتر که ز من مانده چه درهای یتیم
تنم از بارگنه چفته تراز قالب نون
دلم از وسعت غم تنگتر از حلقه میم
جای آن است که خیزد همه باران ندم
بر سر خاک من از دیده یاران ندیم

ای بسا روز که من خسبم و بس صبح دمدم
 که همی بوی بهار آید از انفاس نسیم
 حق آنرا که منت همدم دیرین بودم
 برمگیر از سر خاکم قدم ، ای یار قدیم
 گریکی ژرف بمعنی نگری ، مینگری
 که کنون سعدی و من در چه مقامیم ، مقیم
 تو ز اخلاص بما فاتحه ای گر خوانی
 مافتوح تو بخواهیم هم از رب رحیم
 ای تو دارای همه گیتی و دارای خبیر
 وی تو دادار همه عالم و دادار علیهم
 سوی نادان ضریری بگشا چشم کرم
 تو که بینای بصیرستی و دانای حکیم
 بر خطاهای عظیمم بعقوبت منگر
 بنگر بر کرم خویش و عطاهای عمیم
 گر چه غرق گنهم هم ز تو نو میدنیم
 ناامیدی ز تو خود نیز گناهی است عظیم
 گر کسی کرده خطائی بمن از من بجل است
 هم مرا بوجه کند او بجل از قلب سلیم
 گرچه بر من نبود وام ز مردم بد و جو
 دلم از هول حساب است چون گندم بد و نیم

شور شوریدگی و نطق فصیح الملکی
 هیچ اینجا نکند سود بجز عفو کریم
 سال فوتم بر بئع دوم این مصرع گشت
 شده شوریده بجان جانب منان رحیم
 (۱۳۴۵)

(بیت آخر که شامل تاریخ وفات اوست از فرزندان ارشدش
 آقای حسین فصیحی متخلص به " شیفته " میباشد)
 پایان

